

محمد علی تربیت تبریزی طاب الله ثراه

شرح حال وی



محمد علی تربیت فرزند مرحوم میرزا صادق پسر میرزا جواد پسر
 میرزا علی اکبر پسر میرزا مهدیخان وزیر و منشی نادر شاه میباشد .
 میرزا مهدیخان وزیر یکی از نویسندگان متبحر و عالی مقام عصر خویش
 بوده و از آثار قلمی او اینک تاریخ دزد نادر و تاریخ جهانگشای نادر
 در دسترس عموم و هر یک مکرر چاپ شده است .
 محمد علی تربیت در ششم خرداد هزار و دوست و پنجاه و شش

(۱۲۵۶) خورشیدی در شهر تبریز متولد و همواره بکسب علوم و تحصیل فنون در همان شهر مشغول و بیشتر بفرار گرفتن علم هیئت و طبیعیات و طب همت میگماشته و در این رشته ها تا سرحد امکان تحصیلات خود را ادامه داده است .

از سال ۱۳۱۱ قمری تا ۱۳۱۳ معلم طبیعیات آموزشگاه دولتی تبریز شده و آموزشگاه تربیت را که نخستین آموزشگاه ملی تبریز است شخصاً در ۱۳۱۵ قمری در تبریز دایر ساخته در ۱۲۷۶ شمسی الی ۱۲۸۱ معلم هیئت و جغرافیا و ادبیات آموزشگاه لقمانیه بوده و در ۱۲۸۸ بواسطه خدمات شایان و درخشان بعالم علم و فرهنگ و فداکاریهای بسیار در راه مشروطیت و آزادی از طرف اهالی تبریز بنمایندهگی دوره دوم مجلس شورای ملی انتخاب و تا ۱۲۹۰ در مجلس شوری سمت نمایندگی داشت و پس از آن چندین بار بهصر و اسلامبول و فرنگستان مسافرت کرده و در تمام دوره مسافرت چون در کتبخانههای بزرگ اروپا و مصر و ترکیه بمطالعه و تحقیق کتب ایرانی میپرداخت اطلاعات گرانبهای بسیار از کتب باستانی و تازه ایران در حفظه خاطر یادگار داشت بجدی که میتوان گفت از کتب و تالیفات ایران و خاور هیچکس از ایرانی و اروپائی باندازه وی دارای اطلاع نبود بهلاوه قوه حافظه خداداد هم در این باب بوی کمک بیحد کرده بود چنانکه هر کتابی از هر مؤلفی را میدانست در کدام کتبخانه موجود است و ابواب و فصول وی چیست و در کدام عصر تالیف شده و مؤلف کیست و در این باب مکرر نگارنده و سایر دوستان ادب از محضروی استفادتهای کامل کرده ایم .

نسخ دیوان قصیده و غزل حکیم نظامی منجوی را فکرت آن مرحوم بمباراهنمائی کرد و پس از سؤال بدون درنگ از تمام نسخ موجوده در اروپا و هندوستان باتمام جزئیات دیوان و کتبخانهائی که این دیوان در آنها موجود است ما را خبر داد .

مرحوم تربیت پنجسال یعنی از سال ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۴ رئیس فرهنگ آذربایجان بوده و خدمات فرهنگی مشارالیه در زمان تصدی این سمت درخور همه گونه تهریف و ستایش میباشد. در اندک مدتی دبستانها و دبیرستانهای زیاد دائر نموده ویژه در تاسیس دبستانها و دبیرستانهای دخترانه که تا آن تاریخ در آذربایجان سابقه نداشته موفق گشته است و نیز يك كتابخانه و قرائتخانه عمومی دائر و باهمت فراوان كتابهای نفیس و سودمندی در آنجا گرد آورده که هم اکنون سالیانه هزارها نفر از دانشمندان و دانشجویان با مطالعه از آن كتابخانه استفاده کامل میکنند.

از سال ۱۳۰۵ الی ۱۳۰۶ ریاست فرهنگ گیلان را عهده دار بوده و خدمات فرهنگی آن مرحوم از قبیل تاسیس کتابخانه و دبستانها و دبیرستانها و دائر کردن انجمنهای ادبی و فرهنگی در آنجا نیز شایسته تمجید است.

از ۱۳۰۷ الی ۱۳۰۹ عهده دار ریاست بلديه تبریز بوده و در آن مدت باهمت و فعالیت و جدیتی که مخصوص خود آن مرحوم بود بیاز کردن چندین خیابان بزرگ موفق گشته و با دائر کردن باغ ملی بزرگی بنام گلستان يك گردشگاه و تفریحگاه زیبا و دلکشی بر اهالی تبریز از خود یادگار گذاشته است. بعد از آن در دوره هشتم قانون گذاری بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شده و تا دوره حاضر سمت نمایندگی مجلس شورای ملی را داشته است.

از آثار مرحوم تربیت یکی کتاب زاد و بوم در جغرافیای ایران ویژه آذربایجانست مجله گنجینه فنون و گنجینه معارف نیز از آثار ادبی آن مرحوم میباشد که در زمان ریاست فرهنگ آذربایجان انتشار یافته است.

تاریخ مطبوعات ایران از مهمترین تالیفات آن مرحوم میباشد که حاوی شرح نام و آمار جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران بزبان فارسی

طبع شده میباشد این کتاب را بروفقور براون زبان انگلیسی ترجمه کرده و با چاپ و گزاورهای بسیار ممتاز منتشر نموده است و این اثر در نوع خود یکتا و بسیار مهم میباشد.

آخرین تالیف مرحوم تربیت کتاب تفسیر دانشمندان آذربایجان است علاوه بر این تالیفات و تحقیقات ادبی و تاریخی زیاد از آن مرحوم بصورت مقالات در مجلات و روزنامه های مختلف انتشار یافته است مخصوصاً در مجله ارمنان مقالات شیوای بسیار از او یادگار و درخور هر گونه استفاده است. مرحوم تربیت مرد دانشمند و صاحب کمالات بود عشق و علاقه مفرطی وی بدانش و کسب اطلاعات جدید و اخبار نو و ناشنیده قدری زیاد بود که بالاترین ذوقها و عیش و خوش گذرانندهای دنیا را با مطالعه و تماشاى يك کتاب ویژه يك كتاب خطی و نادره که از سده های دیرین یادگار مانده و نماینده افکار و احساسات و ذوق و سلیقه فضلا و دانشمندان عهدهای باستانی بود هرگز عوض نمیکرد و چنان با حرارت و لذت فراوان از محاسن و مزایای آن کتب صحبت مینمود و ساعتهاى متوالی باهوش و حافظه عجیبی که مخصوص خود آن مرحوم بود اسامی کتابهای خطی و چاپی و نویسنده های آنها و موضوعها و تاریخ تالیف و سایر اوصاف مختصات آنها را بیامی میسرمد که همواره شنوندگان خود را غرق حیرت و تحسین میکرد.

مرحوم تربیت کتابخانه بسیاری بود که در هر موقع و زمان دوستان و اطرافیان وی از وجود او استفاده کرده از خرمی دانش و اطلاعات وی خوشه چین میشدند گویا آفریننده بزرگ وی را رابطه و واسطه میان محققین و فضیلاب گذشته با آیندگان قرار داده بود.

میهن پرستی و علاقه وی نسبت با دین و فضلا و دانشمندان ایران باستان که مهد پرورش و تمدن عالمیان است چنان فراوان و بی پایان بود که با تالیف

سرگذشت دانشمندان مسقط رأس خویش خواست راه جدیدی پیش پای سایر ادبا و دانشمندان گرامی کشور خویش باز و آنها را ترغیب و تشویق نماید که هر یکی بنوبت خود مانند وی راجع بزرگان و رجال يك استان و یا شهرستان ایران چنین یادگاری از خود باقی گذاشته تا در اندک مدتی تمام این آثار گرد هم آمده و بعالمیان ثابت شود که هر گوشه از ایران باغ دانش و کمال بوده و در سینه خود نواخ و بزرگان ارجمندی پرورانده که هر یکی در عهد خویش دائم با اهریمن نادانی و تاریکی در نبرد بودند.

محمد علی تربیت در اخلاق و پاکدامنی هم بشهادت تمام دوستان افاضل تبریزی و طهرانی در عصر خود بی نظیر بود چنانکه فاضل سخن سنج قدام آقای امیر خیزی تبریزی رئیس دبیرستان دارالفنون که از دوستان بسیار نزدیک آن مرحوم است در باب اخلاق ستوده وی چنین مینسکارد :

مرحوم محمد علی تربیت بشهادت تمام فضلا و دانشمندان آذربایجان و طهران دارای اخلاق ستوده بودند چنانکه از ربیعان جوانی نازمان کهوات هیچگاهی کرد ملامی و مناهی نکشته و بانهایت تقوی و پاکدامنی زندگانی کرده حتی بدخائیات نیز لب نیالوده اند و همین تقوی و پاکدامنی در امور اجتماعی و ملی و اداری نیز پیوسته با ایشان همراه بود و با آنکه غالباً مصدر کارهای مهمی بودند دیده و شنیده نشده که دامن تقوایش را گزندی نشیند یا آئینه اعمالش را زنگی گیرد.

در شدت ورخا و در سختی و رفاه همواره یکسان بود نه خاک نیستی از آتش همتش میکاست و نه آب هستی بر باد نخوتش میافزود در سال ۱۳۳۰ قمری در اثر پاره پیش آمدها مجبور شد که برای مدت نامعلومی دست از موطن خود بردارد و در ممالک دیگری روزگار بگذراند سالهای چندی در اسلامبول بود با آنکه روزگار چنانکه عادتش بوده با وی سازگار نبود و در نهایت سختی

روزگار میگذرانید با وجود این چنان عزت نفس بخرج میداد که کسی نمیتوانست گمان بکند که این مرد عزیز النفس را سرمایه بجز از قرض در دست نیست و هرگز بیش یکی از دوستان نزدیک خود هم لب بشکایت باز نمیکرد و با چهره بشاش که خاصه اش بود دوستان را استقبال میکرد و اغلب روزهای خود را در کتابخانههای اسلامبول بمطالعه و نوشتن یادداشتهای مفید بسر میبرد و اگر آن یادداشتهای نفیس که محصول يك عمر است و اغلب از کتابخانههای مهم اروپا گرد آورده شده بنام (یادداشتهای تربیت) چاپ برسد يك سفینه گرانبهای خواهد بود.

آقای تربیت قبل از اعطای مشروطیت هم با وضع اسفناك آنروزی كشور پی برده و با وسایل ممکنه در تنویر افکار میكوشید و طبعاً مین دوست و آزادی پرور بود و پس از شیوع مشروطیت از پیش قدمان درجه اول آزادی بشمار میرفت و در روزهای سختی که کسی را بروای دیگری نبود وی از ایفای وظیفه خود قصور نمیکرد و دارای شجاعت اخلاقی و ادبی بود.

گذشته از مراتب فضلی و اخلاقی شخص شیرین زبان و خوش بیان و مجلس آرا بود و در محفلی که حضور می یافت ممکن نبود که در آن انجمن يك شور و شغفی تولید نکند و در وعده های خود صادق بود و بیجهت نیست که تاریخ و فتش (تربیت صادق الوعد) بوده در بیخ که برفت و دوستان خود را مادام العمر در میان آتش تاسف جای داد.

...

این قطعه مرثیت مشتمل بر ماده تاریخ رحلت وی نیز اثر طبع آقای امیر خیزی است و بر فراز سنگ قبر وی اقر شده.

ماده تاریخ

| | |
|--------------------------|--------------------------|
| دریغا بدی مه سپیده دمان | گل گلشن تربیت شد بیاد |
| دریغا چنان مرد روشنیروان | کش افسرد شمع درون بامداد |

فروزنده خورشید فرخ نهاد
 بجان ارجمند و بتن پاکزاد
 مه عمرش اندر محقق افتاد
 بسوی جهان دگر برگشاد
 بجانان سپرد آنچه جانانش داد
 سخنها که گیتی ندارد بیساده

همی خواست دل کردن از مَرک شاد
 سرودی (دل تربیت شاد باد)

۱۳۰۸

درینا نهان شد بمیغ اندرون
 محمد علی تربیت آنکه بود
 چو بگذشت سالی بدو شصت و دو
 مرغ دلش تنگ شد این جهان
 بیفشاند دامن ازین خاکدان
 بشد تربیت) مانند از او یادگار

۱۳۱۸

مگر بد دل آزرده از زندگی
 که بر گوش دل روزمرگش سروش

مسابقه هواپیمائی

اثر طبع ناصرالدین سالار جنگ شیرازی

پای بر فرق فلک بگذار و فرقد سای باش
 آفتاب آسا زمانی آسمان آرای باش
 روشنائی بخش چشم او ز خاک پای باش
 سر بر افروز از خلاق جانب بالای باش
 وز پر میمون جهانرا میمنت بخشای باش
 زان بساط ایطایر علوی نشاط افزای باش
 عشق را پروانه سان میباش و بی پروای باش
 رابضی کن شهسوارا فارس فردای باش
 زینت افزای هوا شو طایری زیبای باش
 گاه پیش خصم همچون کوه پابر جای باش
 در جهیدن برق و هم چون رعد با آوای باش
 باغ کشور را ز دشمن خار و خس پیرای باش

ا هواپیما نکار من هوا پیمای باش
 آدای آرایش زمین را از فروغ ماه روی
 بر مه خواهد چشم خورگ بر توت تاریک شد
 ای بر بالا بنه پائین سزاوار تو نیست
 سایه افکن بر سر خلق ای همایون فرهای
 آسمانت دانه ها باشیده دارد از نجوم
 محفل افلاکیانرا بر فروز از شمع روی
 بوسن طیاره را امروز بر سر زن لکام
 مرغ میمون فال من طیاره را پروازده
 گاه اندر حمله پیشی بایدت جستن ز برق
 بر را بشکاف و باران بلا بر خصم ریز
 رهوای ملک شور و نطق فزا بر کام دوست